فریدون معینی

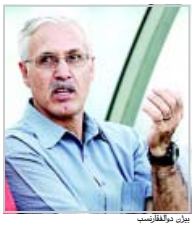
بیژن ذوالفقارنسب

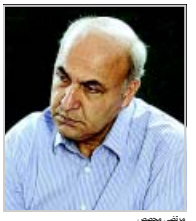
مرتضی محصص

آردشیر لاردوی

جهانگیر کوثری

کارشناسان از کمبود مربیان آینده نگر و مسلح به علم روز و ضرورت تأسیس انستیتوی بازپروری مربیان می گویند

فرار از دوره‌های آموزشی و درجا زدن مربیان

[یوسف حیدری / علی رضایی]

لیگ هفتم با چالش های زیادی مواجه است. تجربیات شش دوره قبلی حضور در لیگ برتر انتظارها را زیاد می کند. همین توقعات روزافزون است که نکات ریز و درشت این دوره را به بوته نقد می کشاند. مسائل زیادی مدنظر قرار می گیرند. از بحث های داوری گرفته تا سطح کیفی بازی ها. هدف مشخص است: «بهبودی اوضاع». از دل همین لیگ سپاهان تا فینال لیگ قهرمانان آسیا پیش رفته است اما هر بار در مواجهه با نماینده ژاپنی ناکام ماند. حضور نماینده ایران در دیدار پایانی جام قهرمانان بسیار امیدوارکننده است. با وجود تفاوت فاحشی که از نظر زیرساخت ها و امکانات بین باشگاه های ایرانی با تیم های حرفه ای شرق آسیا و عربی وجود دارد اما این امیدواری زنده مانده است که می توان با این اختلافات سخت افزاری در مستطیل سبز با به پای آنها دوید و حتی گوی سبقت را از رقبا ربود. البته این وضعیت شاید شامل تعداد انگشت شماری از تیم های لیگ برتری کشورمان شود و بقیه همچنان به سطح کیفی لازم نرسیده اند.

ایده های متفاوتی در خصوص سطح کیفی تیم ها وجود دارد. این عقاید با میزان دانش مربیان شاغل در لیگ بی ارتباط نیستند. در این که مربیان مسئول اول سطح کیفی بازی ها هستند شکی نیست. زیرا آنها هستند که با تفکرات و تاکتیک هایشان زمینه های ارائه بازی های جذاب را فراهم می کنند. در نقطه مقابل با افت کیفی رقابت ها این مربیان هستند که متهم شماره یک لقب می گیرند. از گذشته ها این نکته مدنظر قرار می گرفت که مربیان تا چه اندازه در پیشرفت تیم ها مؤثر هستند؟ در لیگ هفتم نیز این پرسش تکراری مطرح می شود که آیا سطح دانش مربیان حاضر می تواند لیگ را از نظر کیفی به جایگاه واقعی آن برساند؟ اظهارنظرهایی که در این باره مطرح می شوند تا حدی متناقض یکدیگرند. به صراحت نمی توان به سؤال مورد نظر پاسخ داد. در پاره ای موارد مربیانی هستند که برای رسیدن به سطحی بالاتر و دستیابی به روش های نوین بازی نسبت به حضور در کلاس های پیشرفته ابراز علاقه می کنند. در همین کلاس مربیگری حرفه ای که چندی پیش در تهران دایر شد گروهی از مربیان لیگ برتری حضور یافتند. شاید بتوان گفت این عده به نوعی آینده نگری کرده اند و با توجه به اولتیماتوم کنفدراسیون فوتبال آسیا که از سال ۲۰۰۹ به مربیانی که مدرک حرفه ای مربیگری ندارند اجازه نشستن روی نیمکت تیم ها را نخواهد داد خود را از این خطر مصون نگه داشته اند. اما با کلاس های مقطعی چقدر به علم روز فوتبال مسلح خواهیم شد؟

● مراکز تربیت مربی

آردشیر لاردوی که نبود مراکز تربیت مربی را یکی از معضلات کنونی فوتبال ایران می داند، می گوید: «وقتی چنین مرکزی وجود ندارد پس مسائلی مثل به روز کردن دانش مربیان فوتبال اجرا نخواهد شد. این کارشناس برای گفته هایش به یک نمونه تأکید می کند: «باید ببینیم که آیا سرالکس فرگوسن همچنان با تفکرات ۲۵ سال قبل بازیکنانش را هدایت می کند؟ یا روش هایش را تغییر داده است؟ امروز تجدید اطلاعات و به روز شدن به اندازه کسب اطلاعات اهمیت دارد. این نکته فقط برای ورزش نیست. همه دانشمندان و کارشناسان در دانش های خود تجدیدنظر می کنند و با گردآوری همه اطلاعات و ثبت آن، نتایج حاصله را به زیرمجموعه های خود یا افراد دیگری که در رشته مربوطه فعالیت می کنند ارائه می دهند. امروزه ممکن است پزشکان آمریکایی، چینی، روسی و ایرانی در یک رشته خاص به یک اندازه تخصص داشته باشند و تقدم و تأخری در آنها نیست به جز برخورداری از اطلاعات روز.»

روزنامه نگار باسابقه کشورمان در ادامه این بخش از حرف هایش به فوتبال ایران اشاره می کند و ادامه می دهد: «در فوتبال ما جای تحقیق و ابداع وجود ندارد. ما به نوعی تقلیدگرا هستیم ولی نمی دانیم از چه چیزی تقلید می کنیم. متأسفانه مرکزی وجود ندارد که به کار مربیان فوتبال بپردازد. باید بخشی را ایجاد کنیم که برای تربیت مربی و به روز کردن آنها فعالیت کند. معلومات مربیان امروز ما به همان داشته های دوران بازیگری شان و نهایتاً شرکت در کلاس های آموزشی مقطعی محدود می شود. به نظر من باید مرکزی برای ترجمه علم روز فوتبال جهت ارائه به باشگاه ها و آکادمی ها وجود داشته باشد و دائماً فوتبال روز دنیا را بررسی و تحلیل کند و این اطلاعات لازم را در اختیار سرمربی قرار می دهند. صالح در ادامه حرف هایش با تأکید بر نازل بودن سطح کیفی لیگ برتر فوتبال ایران آن را به میزان دانش کادر فنی تیم ها بی ربط نمی داند و می گوید که در صورت حضور مربیان در کلاس های پیشرفته به صورت مستمر می توانند اوضاع را بهتر از این کنند.

اکثر کارشناسان بر این عقیده هستند که برای رسیدن به کلاس بالاتری از فوتبال باشگاهی در سطح بالاتر ملی نیاز به علم روز است و در این راه مربیان نیاز به بازنگری در طرح‌ها و عقایدشان دارند

در نقطه مقابل این کارشناسان باید به نظرات فریدون معینی مسئول سابق کمیته آموزش فدراسیون فوتبال توجه کرد که معتقد است سطح کنونی مربیان لیگ برتری به اندازه ای هست که تیم ها را هدایت و رهبری کنند. این کارشناس در عین حال می گوید که آیا امکانات فوتبال ایران به اندازه دانش مربیان پیشرفت کرده است؟ معینی می افزاید: «مربیان فوتبال ما اطلاعات بسیار خوبی دارند و با توجه به هوش بالایشان می توانند از دیدن بازی های تیم های درجه اول دنیا الهام بگیرند و اطلاعات لازم را جمع آوری کنند ولی انتقال این دانش به بازیکنان نیازمند مجهز بودن باشگاه ها است که ما از این امکانات بی بهره هستیم. البته مربیان ما اگر می خواهند بیش از این پیشرفت کنند و در کارشان موفق باشند باید در کلاس های آموزشی شرکت کنند. این موضوع مثل پزشکی است که برای گرفتن تخصص در گرایش خاص ادامه تحصیل می دهد و آن تخصص مربوط را می گیرد. کما این که من در این کلاس ها اشتیاق مربیانی مثل کاظمی، دایی و... را از نزدیک دیدم. معینی هرگونه مقایسه بین سطح کیفی باشگاه های ایرانی با تیم هایی نظیر لیورپول و آرسنال را به شدت رد می کند و از طرفداران فوتبال می خواهد از این کار پرهیز کنند چرا که این باشگاه ها از لحاظ امکاناتی نیز همسطح فوتبالشان پیشرفت کرده اند اما در لیگ برتر ایران هنوز هم بسیاری از باشگاه ها فاقد امکانات مناسب تمرین و مسابقه هستند.

● پیشرفت قابل توجه

در بین مربیان شاغل در لیگ برتر از دکتر بیژن ذوالفقار نسب به عنوان یک مربی با سابقه و تحصیلکرده یاد می شود. این مربی که معمولاً در بسیاری از موارد اظهارات صریحی دارد عنوان می کند ۱۰ الی ۱۵ سال گذشته دانش مربیان ایرانی پیشرفت قابل توجهی داشته است و از این حیث لیگ ایران مشکل یا کمبودی حس نمی کند. شاید این ادعای ذوالفقار نسب به نوعی تعارف و چشم پوشی از برخی ضعف های همکارانش باشد که چندان غیرمنتظره هم نیست. البته ذوالفقارنسب مشکل اصلی را در عدم اعتماد مسئولان باشگاه ها به مربیان داخلی جست و جو می کند و معتقد است مدیران تیم ها مربیان خودی را باور ندارند و حمایت های لازم را از آنها به عمل نمی آورند.

به همین خاطر است که به مربیان درجه چندم خارجی متوسل می شوند. در صورتی که اگر امکانات و ثبات مناسب برای مربیان داخلی فراهم بشود آنها به بهترین شکل خود را نشان می دهند. سرمربی تیم ذوب آهن اصفهان تصریح می کند در این سال ها مربیان زیادی در کلاس های آموزش کمیته آموزش فدراسیون فوتبال حضور پیدا می کنند که طبق آمار چیزی حدود ۹۵ درصد است. این کلاس ها به طور معمول پس از پایان رقابت های جام ملت های اروپا یا جام جهانی در کشورهای عضو فیفا برپا می شود و فدراسیون جهانی فوتبال نیز دستاوردهای آن را به کشورهای دیگر از جمله ایران ارسال می کند. ذوالفقار نسبت یکی از مشکلات اصلی بر سر راه به روز نشدن تعدادی از مربیان داخلی را دسترسی نداشتن به منابع علمی می داند و تأکید می کند همکارانش باید تلاش بیشتری برای دستیابی به منابع معتبر از خود بروز دهند.

● تحول مثبت

جهانگیر کوثری نیز به دفاع از عملکرد مربیان داخلی می پردازد. وی برخلاف معینی که مقایسه میزان پیشرفت تیم های ایرانی با اروپایی و انگلیسی را نادرست خوانده بود به نوعی فوتبال باشگاهی دو کشور را در کفه های ترازو قرار می دهد و از این بابت به نتایجی هم می رسد. کوثری تشریح می کند: «تحولات فوتبال در بورد بین المللی در انگلیس شکل گرفت و نخستین تاکتیک های علمی فوتبال نیز در این کشور به وجود آمده است. در زمینه های مختلف (بازیکن و مربی) شاهد پیشرفت هایی بوده ایم. در مقایسه با فوتبال این کشور باید گفت که فوتبال ما نسبت به عملکرد گذشته بازیکنان و مربیان جهش فوق العاده ای داشته است که آن را می توان یک تحول مثبت قلمداد کرد. حتی حضور مربیان خارجی هر قدر هم که در رده های متوسط باشند تأثیرات مثبتی به دنبال داشته است و به مرور زمان تاکتیک های خوب بازی کردن را هم از این مربیان آموختیم. وی در ادامه به سال های قبل اشاره می کند به روزهایی که کمتر کسی راجع به تاکتیک ها و روش هایی مثل ۵ـ۲ـ۳، ۱ـ۳ـ۲ـ۴، ۲ـ۴ـ۴ و ... حرف می زد ولی حالا نوجوان ها و حتی گزارشگرهای تلویزیونی اطلاعات خوبی راجع به فوتبال دارند و این نشان می دهد جامعه فوتبال روبه جلو گام برمی دارد طوری که در پاره ای از اوقات جوان ها در تحلیل فوتبال از کارشناسان یک گام جلوترند. این کارشناس در حالی که بر پیشرفت فوتبال باشگاهی ایران پافشاری می کند این نکته را هم یادآور می شود که دانش مربیان همسو و همپا با فوتبال نبوده است. به عقیده کوثری دهه ۵۰ دوره طلایی فوتبال ایران بود چرا که با ورود مربیان خوب خارجی اثرات آن به تیم ملی هم سرایت کرد و حاصل آن قهرمانی در جام ملت های آسیا بود. جهانگیر کوثری بر این باور است که استفاده از مربیان خوب خارجی و همچنین حضور در کلاس های آموزشی به افزایش دانش مربیان داخلی کمک زیادی می کند تا آنها با مسائل روز فوتبال دنیا آشنا شوند.

● دانش محدود

در بین کارشناسان فوتبال هستند کسانی که صراحت لهجه بیشتری به خرج می دهند و افت کیفی بازی ها را تنها به کمبود علم روز نزد مربیان داخلی نسبت داده اند. جلال چراغپور یکی از همین کارشناسان است. وی می گوید که لیگ بازنگری ایران مثل چرخه ای است که در آن تنها مربیان هر از گاهی جای خود را عوض می کنند و به ندرت اجازه ورود یک فکر جدید را به جمع خود می دهند و اگر این اتفاق هم رخ بدهد خیلی سریع با شرایطی که ایجاد می کنند مربی تازه وارد از چرخه آنها خارج می شود. چراغپور مدعی است مربیان لیگ برتری تن به حضور در دوره های آموزشی پیشرفته را نمی دهند و با همان تجربیات قبلی تیم ها را هدایت می کنند. وی تصریح می کند دانش این مربیان محدود است و با این شرایط نمی توان انتظار پیشرفت داشت این در حالی است که مرتضی محصص مسئول کمیته آموزش فدراسیون فوتبال به طور کامل از عملکرد مربیان دفاع می کند و از حضور آنها در کلاس ها راضی است. محصص حتی معتقد است که پیشرفت های تیم ها نسبت به دوره های قبل کاملاً محسوس است و نمی توان مربیان را به نداشتن علم روز متهم کرد.

شاید اگر چندین کارشناس و مربی دیگر هم در این باره مورد خطاب قرار گیرند با پاسخ هایی مواجه شویم که چندان با یکدیگر همسو نباشند. آنچه به ظاهر مشهود است اکثر کارشناسان براین عقیده هستند که برای رسیدن به کلاس بالاتری از فوتبال باشگاهی در سطح بالاتر ملی نیاز به علم روز است و در این راه مربیان نیاز به بازنگری در طرح ها و عقایدشان دارند. در سال های اخیر بحث سنتی بودن خیلی از مربی ها پیش از گذشته به گوش رسیده و در نقطه مقابل نیز بسیاری از مربیان که با چنین اتهامی مواجه هستند سعی کرده اند با حضور در کلاس ها و دوره های آموزشی از این اتهام رهایی یابند اما آیا صرف حضور در یک یا چند دوره مقطعی به یکباره آنها را دگرگون می کند؟

با مدیریت هیتسفلد و گل‌های تونی

بایرن، جام یوفا را می خواهد

[منبع: UPI]

پیروزی قاطع ۶ـ۰ بر آرسی یونان در آخرین شب از مرحله گروهی فوتبال جام یوفا و صعود قدرتمندانه از گروه ششم این پیکارها به مرحله حذفی آن، امیدهای بایرن مونیخ آلمان را برای فتح این جام بیشتر کرده است.

اگر کل جام های داخلی و خارجی را مبنا بگذاریم، بایرن تا قبل از مسابقه ۱۰ روز پیش خود با آرسی، در ۹ بازی متوالی اش فقط به دو برد رسیده بود و به این پیروزی جدید نیاز داشت تا دوباره روی دور بیفتد و حتی دو بازی از ۳ دیدار قبلی بایرنی ها در گروه شان در جام یوفا هم به نتایج تساوی انجامیده بود.

اما مسابقه با آرسی همه چیز را عوض کرد و تیم باواریایی را با روحیه ای خوب به تعطیلات کریسمس و ژانویه فرستاد. از گروه ششم جام تیم های بولتون انگلیس (تیم آندرانیک تیموریان) و براگای پرتغال هم بالا رفتند اما این بایرن بود که جلب نظر و قدرت نمایی کرد و این امر، آشکارا سبب جلب رضایت اوتمار هیتسفلد شد. مربی سوئیسی بایرن می گوید: «خوشحالم که ما در جشن های کریسمس و سال نو میلادی هدیه خوبی به هواداران خود دادیم. این تیم می تواند فاتح این جام باشد و این هدف و کاری است که پس از اتمام تعطیلات و بازگشایی مسابقات، پیگیری خواهیم کرد.»

● در برابر آبردین

در اولین مرحله حذفی جام یوفا، بایرن باید در برابر آبردین اسکاتلند قرار گیرد که دیدار رفت در زمین آبردین خواهد بود و این مسابقه را در ۲۴ یا ۲۵ بهمن و مسابقه برگشت را یک هفته بعد از آن تاریخ خواهیم داشت. هر اتفاقی برای بایرن بیفتد و چه این تیم قهرمان بوندس لیگا و فاتح جام یوفا شود یا خیر، هیتسفلد برای فصل بعدی در باواریا نخواهد ماند و یکی از تیم های ملی سوئیس یا سالزبورگ را تحویل خواهد گرفت که در صورت قبول گزینه اول جای کوبی کان و در صورت دوم جای جووانی تراپاتونی معروف و ایتالیایی را خواهد گرفت و چیزی است که مربی سابق یوروسیا دورتموند بزودی شخصاً اعلام خواهد کرد، اما بایرن قرار نیست لوکاتونی را به هیچ قیمتی در پایان فصل از دست بدهد، زیرا این مهاجم درشت اندام ایتالیایی از زمان انتقال ۱۲ میلیون یورویی خود از فیورنتینا به بایرن در تابستان امسال ۱۷ گل برای این تیم زده است.

● ۴ از ۶

او در برابر آرس هم ۴ گل از ۶ گل بایرن را به نام خود نوشت و زوج او با میروسلاو کلوزه در خط حمله بایرن، با حمایت فرانک ریبه ری فرانسوی که قدری عقب تر از این دو می ایستد و آنها را تغذیه می کند موفق از آب درآمده است. درخشش این نفرات باعث شده است لوکاس پودولسکی دیگر مهاجم معروف بایرن که این تیم در دو سال گذشته تلاش زیادی را صرف جذب وی از کلن کرد، در اکثر اوقات روی نیمکت بنشیند و فیکس نباشد و شایعات جدایی او از جمع بایرنی ها در روزهای پیش رو و قبل از شروع نیم فصل دوم بوندس لیگا بشدت رایج بوده است. او در نیم فصل اول ۱۰ بار به عنوان بازیکن ذخیره و در نیمه دوم برای بایرن وارد زمین شد و ناموفق هم نبود و به عنوان مثال دو گل آخر تیمش در برابر آرسی را پایه گذاری کرد، اما امکان بازی کردن او فقط در ۲۰ ـ ۳۰ دقیقه آخر مسابقات و یا در زمان هایی پیش می آید که تونی و کلوزه مصدوم باشند که هر چند تعداد این موارد کم نیست، اما پودولسکی که به عنوان بازیکن برتر جوان جام جهانی ۲۰۰۶ شناخته شد، بسیار بیش از این را می خواهد و حق خود را فراتر از این می داند.

● با تفاضل گل برتر

بایرن در پایان نیمه فصل اول بوندس لیگا با امتیازی برابر با دوردربرن و فقط با تفاضل گل برتر نسبت به این رقیب قهرمان شد، اما برد قاطع در برابر آرسی نشان داد تیم باواریایی برای نیم فصل دوم لیگ داخلی هم که از ۱۳ بهمن به راه می افتد، برنامه هایی دارد.

نگاه

پیامدهای تقلب و تبانی در تنیس جهان

دو تنیسور معمولی ایتالیا قربانی شدند

[منبع: ATP]

پوتیتو استارا سه مرد شماره یک تنیس ایتالیا و هموطن او دانی یله باراشیلی به سبب شرط بندی روی نتایج مسابقات این رشته محروم شده اند.

طول مدت محرومیت استارا که صاحب رتبه ۳۱ در جدول جهانی تنیس مردان است ۶ هفته تعیین شده و شروع آن اول ژانویه ۲۰۰۸ (۱۱ دی ۸۶) قید گشته و ۲۱ هزار یورو جریمه نیز برای او مقرر شده است. ظاهراً او در سال ۲۰۰۵ در پنج مورد روی نتایج مسابقات مختلف تنیس به شرط بندی پرداخته که این امر در تضاد با قواعد تنیس است که به هیچ ورزشکاری که خود شاغل در صحنه این ورزش و حاضر در عرصه رقابت ها باشد، اجازه شرط بندی روی نتایج را نمی دهد. بر اشیلی که در رنکینگ جهانی در رده ۲۵۸ قرار دارد، نیز به اتهامی مشابه ۳ ماه از حضور در رقابت ها محروم شده و باید ۱۴ هزار یورو هم جریمه بپردازد و گفته می شود او نیز حدود ۵۰ فقره شرط بندی داشته است. پیش از آنها یک ایتالیایی دیگر به نام اله سیو دی ماتورو در ماه نوامبر ۲۰۰۷ (آبان ۸۶) در همین ارتباط دچار محرومیتی ۹ ماهه شده بود و وی اولین بازیکنی بود که در ستیز فدراسیون بین المللی با شرط بندی های غیرقانونی گرفتار آمده و دچار چنان مجازاتی شده بود. دی ماتورو تصریح کرده است که بر علیه این حکم و برای لغو آن به مبارزه خواهد پرداخت و موضوع خود را در شورای عالی حکمیت ورزش جهان (CAS) مطرح خواهد کرد. فدراسیون تنیس ایتالیا نیز مدعی است که فدراسیون بین المللی تنیس و به واقع اتحادیه تنیس حرفه ای مردان (ATP) با قربانی کردن این سه بازیکن و تعیین مجازات برای آنها قصد داشته است از آنها وسیله ای برای گم کردن حقیقت بسازد و درپشت سر آنها و نام شان مسائلی کلی تر و وسیع تر را پنهان کند. سخنگوی این فدراسیون در رم گفته است: «با توجه به خطاهای منتسب به این بازیکنان مجازات های مقرر برای آنها بیش از اندازه و غیرقابل فهم و تأیید نشدنی است. اولاً خطاهای آنان هنوز به اثبات نرسیده است و ثانیاً آنها برسر مسابقاتی که خود در آن شرکت داشته اند، شرط نبسته اند.

● اتهام و تردید

براشیلی هم که ۲۹ سال دارد، مدعی است سر او و استارا سه را به این خاطر بریده اند که چندان مشهور نیستند وگرنه نامداران بسیاری هستند که همین خطا را مرتکب شده ولی جان سالم به در برده اند. او می گوید: «چون نامداران تنیس، شهرت بیشتری دارند و نمی توان با آنها به اندازه ایتالیایی ها مقابله کرد، به سراغ ما آمده اند. ما قربانی این ماجراها و افرادی هستیم که به خاطر این نکات و نداشتن پشتوانه از صحنه خارج شده ایم، حال آن که امروز بسیاری از متخلفان اصلی هنوز مشغول خطاهای خود هستند و کسی هم کاری به کارشان ندارد. کافی بود ما نیز قهرمانانی نامدار می بودیم و آن گاه این طور برخورد با ما غیرممکن می شد و مجبور می شدند با ما همان طور رویه رو شوند که با نامداران در معرض اتهام و تردید برخورد کرده اند، حقیقت آن است که ما بازیکنان چندان مهمی محسوب نمی شویم و بنابراین بریدن سر ما و بیرون گذاشتن مان از صحنه به آسانی ممکن شده است. باید مکرراً پرسید که آیا فقط ما دست به این کارها می زنیم و هیچ فرد دیگری دراین امور مشارکت نداشته و مرتکب تقصیر و خلاف نشده است؟»

● غیرعادی و مشکوک

همان طور که قبلاً گفتیم قواعد «ATP» تکلیف می کند که بازیگران شاغل و فعال در صحنه تنیس نباید به هیچ روی به شرط بندی بر روی نتایج مسابقات بپردازند، زیرا این بیم وجود دارد که یا خودشان و یا دیگران مخصوصاً به گونه ای بازی کنند که به کسب و ثبت نتیجه موردنظر منجر شود و این امر، تقلب و فساد را در صحنه تنیس بیشتر کند. درهمین ارتباط در یکی دو سال اخیر چند تنیسور نامدار تحت پیگرد «ATP» قرار گرفته اند و گفته می شود که مخصوصاً و با برنامه ریزی و حساب های قبلی تن به باخت داده اند و جدیدترین نمونه آن مربوط به نیکولای داویدنکو از روسیه می شود که برخی شکست های او در فصل اخیر تنیس بین المللی جهان غیرعادی و مشکوک تشخیص داده شده است.

با این حال براشیلی می گوید: «متأسفانه از قواعد ATP در این خصوص می توان برداشت های مختلف کرد و نمی توان حکم کلی و صریح داد. همین حالا هم هیچ کس به درستی نمی داند که شرط نبستن روی نتایج مسابقات تنیس کدام الزام ها را دارد و چه باید کرد و آیا کسی پیدا می شود که واقعاً روی نتیجه بازی خودش شرط ببندد و سپس به گونه ای بازی کند که همان نتیجه به دست آید و همه دنیا بفهمند که او چه کرده است؟»

گفتنی است شماری از نامداران تنیس جهان مثل روژه فده رر مرد اول این ورزش از کشور سوئیس مسأله تقلب و تبانی در تنیس را تأیید نسبی کرده و گفته اند که این بساط باید برچیده شود، ولی برایان اعتقادند که خود به چشم چنین روندها و تقلب هایی را ندیده اند و مسأله برایشان مبهم است. در عین حال چند بازیکن نیز مدعی شده اند که برخی افراد ناشناس با آنها تماس گرفته و از آنان خواسته اند که مخصوصاً ببازند و در این راه پول قابل توجهی بگیرند.